

## بررسی طرح قانونی «تشدید مجازات جرائم اخلاص در امنیت روانی جامعه»\*

### چکیده

امنیت یکی از مهم‌ترین مطالبات عمومی و در زمره حقوق اساسی ملت است. تأمین امنیت نیز از وظایف اصلی دولت است که نیازمند اتخاذ تدابیر مختلف از جمله اتخاذ سیاست جنایی مناسب و مقتضی است.

در همین راستا و به دنبال افزایش برخی از مصادیق ناامنی در کشور از قبیل راهزنی، سرقت مسلحانه و تجاوز به عنف، نمایندگان مجلس شورای اسلامی به عنوان اولین طرح کیفری خود، طرح «تشدید مجازات جرائم اخلاص در امنیت روانی» را تصویب کردند که به دلیل عجله در تنظیم آن، ایرادهای شکلی و ماهوی جدی دارد.

به لحاظ شکلی، ارائه چند ماده قانونی راجع به موضوعات کیفری، باعث مثله شدن قوانین کیفری شده، در نتیجه، عدم انسجام و تعارض میان آنها را افزایش می‌دهد. با توجه به اینکه قلمرو اصلی جرم‌انگاری‌های مذکور در این طرح، قانون مجازات اسلامی است، پیشنهادکنندگان طرح باید مواد مورد نظر خود را با عنوان همین طرح ولی جهت الحاق به قانون مجازات اسلامی پیشنهاد می‌دادند. به ویژه اینکه بسیاری از مواد این طرح سابقه تقنینی دارند و قانون‌گذار می‌تواند با افزودن تبصره به مواد مربوط در قانون مجازات اسلامی، اوضاع و احوال مشدده برای آنها تعیین نماید. همچنین با توجه به اینکه لایحه قانون مجازات اسلامی و لایحه قانون

---

\* گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی اداره کل پژوهش و اطلاع‌رسانی؛ بویژه از آقای غلامحسین کوشکی که در تدوین این گزارش نقش موثری ایفا نمودند تشکر می‌شود.

آیین دادرسی کیفری به مجلس شورای اسلامی است تقدیم شده و در حال بررسی است مجلس شورای اسلامی می تواند دغدغه های خود را برای برخورد شدید و سریع با جرایم مندرج در طرح پیشنهادی، در لوایح مذکور لحاظ کند. از نظر ماهوی، جرم انگاری های مذکور در این طرح را می توان به سه دسته تقسیم کرد:

دسته اول عناوین مجرمانه ای هستند سابقه تقنینی دارند ولی در مجازات آنها هیچ گونه تغییری اعلام نشده است و این امر با عنوان طرح مذکور سازگار نیست. دسته دوم عناوینی هستند که سابقه تقنینی دارند ولی مجازات آنها تشدید شده است ولی در تشدید به تناسب جرم و مجازات توجه نشده است. برای مثال، صرف انتشار یک مطلب و یا تصویر مروج فساد نباید مجازات اعدام به دنبال داشته باشد؛ بلکه باید قائل به تفکیک شد و در این مورد از مجازات های خفیف تری مانند حبس استفاده کرد. نباید فراموش کرد عنوان مجرمانه محاربه در قوانین کیفری وجود دارد ولی چون مجازات آن شدید است، رویه قضایی و قضات با اختیاراتی که در تفسیر و توصیف قوانین کیفری دارند سعی کرده اند از صدور حکم اعدام اجتناب کنند. دسته سوم، عناوین مجرمانه ای هستند که سابقه تقنینی ندارند و جدید محسوب می شوند مانند فساد، الحاد، شرارت و تشکیل باندهای فساد و فحشا. یا توجه به اینکه تعریف مشخصی از این جرایم ارائه نشده است قطعاً در مقام اجرا و تفسیر، مشکلات زیادی ایجاد خواهند کرد. ضمن اینکه این روش، خلاف «اصل قانونی بودن جرم و مجازات» نیز محسوب می شود.

همچنین طرح مذکور یک آیین دادرسی افتراقی برای رسیدگی به جرایم مذکور در طرح پیش بینی کرده است که محل بحث و ایراد است. بر اساس اصل برائت و با توجه به اینکه تا صدور حکم قطعی، فرد تحت محاکمه «متهم» تلقی می شود نه «مجرم» و با توجه به اینکه هر فردی حق دارد در دادگاه و به صورت منصفانه و با رعایت حقوق مسلم وی به اتهامش رسیدگی شود در رسیدگی به جرایم خشن نیز رعایت الزامات مربوط به دادرسی کیفری ضروری است که به نظر می رسد برخی از این الزامات در طرح مذکور به فراموشی سپرده شده است.

## مقدمه

امنیت یکی از اهداف مهم و اصلی هر نظام حقوقی است. وجود امنیت، زمینه لازم برای فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را فراهم می‌سازد. بدین ترتیب، هرگونه عامل یا سببی که باعث لطمه به امنیت فردی یا جمعی شود باید با عکس‌العمل مقتضی و مناسب دولت‌ها مواجه گردد. از سوی دیگر، امروزه امنیت یکی از حقوق اساسی افراد بوده و در زمره خواسته‌ها و مطالبات عمومی تلقی می‌شود. بدون شک دولت‌ها و نظام‌های حقوقی برای تأمین امنیت باید اهداف و سیاست‌ها و ابزارهایی را مد نظر قرار دهند.

در همین راستا و به دنبال افزایش برخی از مصادیق ناامنی در کشور از قبیل راهزنی، سرقت مسلحانه و تجاوز به عنف، نمایندگان مجلس شورای اسلامی به عنوان اولین طرح کیفری خود، طرح «تشدید مجازات جرائم اخلال در امنیت روانی» را تصویب کردند که به دلیل عجله در تنظیم آن، ایرادهای شکلی و ماهوی جدی دارد. همان طور که می‌دانیم یکی از مهم‌ترین ابزارهای مقابله با جرم، استفاده از ابزار کیفر است. کیفر ضمن اینکه متضمن تنبیه مجرم است، دارای اثر پیشگیری و بازدارندگی نیز می‌باشد. در این رابطه، شدت مجازات، عامل مهمی در جهت بازدارندگی از جرائم است، اما آنچه به لحاظ تئوری‌های جرم‌شناسی اهمیت دارد قطعیت و سرعت در اجرای کیفر است. علاوه بر این، میان شدت و سرعت اجرای مجازات رابطه متقابل وجود دارد. به عبارت دیگر، شدت مجازات تنها در کنار اجرای سریع می‌تواند اثربخش باشد. با توجه به اینکه جرم موجب اختلال در نظم عمومی می‌شود باید کیفر متناسب با آن، سریع و با قطعیت اجرا شود تا دوباره نظم عمومی دوباره در جامعه مستقر شود و احساس امنیت در میان شهروندان همواره زنده بماند. در نظام‌های کیفری دنیا نیز به موضوع تناسب کیفر توجه می‌شود و قوانین و آیین دادرسی کیفری، متناسب با شرایط فرهنگی و اجتماعی وضع می‌شود. عقیده بر این است که دادرسی عمومی و نظام عمومی کیفرها در همه موارد و نسبت به همه مجرمین نباید به صورت یکنواخت و یکسان اعمال شود. اکنون چگونگی رویارویی با "جرایم سازمان یافته" و "جرایم خشونت‌بار" از دغدغه‌های نظام‌های مختلف حقوقی است. لذا، عنوان "جرم سازمان یافته" در ادبیات کیفری کشورهای مختلف وارد شده و برای مقابله با آنها، مجازات‌های شدید و آیین دادرسی کیفری افتراقی و اختصاصی پیش‌بینی

شده است. البته در این شیوه، از اصول و قواعد دادرسی منصفانه استفاده می‌شود و تنها به صورت استثنایی و به جهت حسن جریان تحقیقات و کشف این جرائم، قواعد ویژه ای در نظر گرفته می‌شود. بنابراین ایجاد تعادل در شیوه‌های موجود و اختصاص روش‌هایی که حقوق متهمین را کمتر نقض کند از کارهای مشکل قانونگذاران تلقی می‌شود. پیش فرض قانونگذار در این موارد آن است که با افزایش تشدید مجازات و به تبع آن، افزایش هزینه ارتکاب جرم، آمار ارتکاب جرم کاهش می‌یابد. با اینکه چنین فرضی ممکن است در کوتاه مدت صدق کند، ولی در تئوری‌های جرم‌شناسی از آن به عنوان یک عامل موقت و مسکن یاد می‌شود که اثر مقطعی داشته و معمولاً در مورد جرایم خاص و گروه خاصی از مجرمین اجرا و اعمال می‌شود.

همچنین لازم است به تدابیر مربوط به پیشگیری از جرایم مذکور نیز توجه شود و نظام‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به منظور بهبود شرایط عمومی جامعه و مقابله با جرایم، سامان داده شود. با توجه به مقدمه فوق، در این گزارش جنبه‌های شکلی (مبحث نخست) و ماهوی (مبحث دوم) طرح «تشدید مجازات جرائم اخلال در امنیت روانی جامعه» مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

### مبحث نخست: ایراد های شکلی طرح

ممکن است در ابتدا چنین تصور شود که مباحث شکلی و رعایت آنها در قوانین از اهمیت چندانی برخوردار نیست. ولی باید توجه داشت که یکی از جهات اعتبار قوانین، جایگاه و ارتباط آنها به لحاظ شکلی با سایر قوانین کیفری است. در کشور ما همانند سایر نظام‌های حقوقی حقوق نوشته دو قانون عمده و مهم در زمینه مسائل کیفری وجود دارد: قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری. اصولاً عناوین مجرمانه مهم و عمومی باید در قانون مجازات اسلامی منعکس شود و چنانچه قانونگذار قصد جرم‌انگاری فعل و یا ترک فعل خاصی را داشته باشد، آن را در قانون کیفری ماهوی بگنجانند. البته ممکن است قوانین تخصصی در ارتباط با مسائل مختلف از جمله محیط‌زیست و صنعت وضع شوند اما باید دانست که جرم‌انگاری در قوانین متفرقه، امری استثنایی است که آن هم در صورت ضرورت، قابل توجیه است. پیش بینی جرایم در قلمرو قانون مجازات اسلامی باعث انسجام مواد قانونی و عناوین مجرمانه می‌شود. زیرا در این صورت، قانونگذار به ارتباط میان جرم‌انگاری‌های

مورد نظر و جرم‌انگاری‌هایی که قبلاً صورت گرفته توجه می‌کند و بر اساس آن جرم-انگاری می‌کند. در غیر این صورت، «مثله‌کردن قوانین کیفری» باعث می‌شود که انسجام و یکپارچگی قوانین کیفری و تعامل آنها با یکدیگر محقق نگردد. علاوه بر این، با توجه به اینکه ماهیت و طبیعت قوانین کیفری ایجاد محدودیت برای شهروندان است احکام آنها باید به صورت صریح و روشن بیان شود. مثله‌کردن و پراکندگی قوانین کیفری مانعی است در برابر صراحت و روشنی قوانین. بنابراین طرح مذکور بهتر است در قالب پیشنهادی اصلاحی و یا گنجاندن مواد جدید در قوانین مجازات اسلامی و آئین‌داری کیفری ارائه شود. متأسفانه با وجود دو قانون مهم مجازات اسلامی و آئین دادرسی کیفری، قانونگذار تاکنون به این اصل توجه نکرده و به دلیل مسائل اجتماعی و بحران‌هایی که در جامعه وجود داشته است، به مناسبت‌های مختلف طرح‌ها و لوایحی را در چند ماده قانونی و به عنوان طرح و لایحه مستقل تصویب کرده که فاقد اصول قانون‌نویسی بوده و بعد از گذشت مدتی، قوانین مذکور به قوانین متروک تبدیل شده‌اند.<sup>۱</sup> ضمن اینکه، قوانین مذکور، مشکلات عملی و نظری زیادی را برای تابعان حقوق کیفری ایجاد می‌کنند که گاهی حقوق‌دانان نیز از حل این مشکلات عاجز هستند.

۱. قوانین ذیل از این نمونه اند: قانون تشدید مجازات جاعلان اسکناس و وارد کنندگان، توزیع کنندگان و مصرف کنندگان اسکناس مجعول، مصوب ۱۳۶۸/۱/۲۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب سال ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ قانون تشدید مجازات محتکران و گران فروشان مصوب سال ۱۳۶۷ مجلس شورای اسلامی؛ قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباسهایی که استفاده از آنها در ملاء عام خلاف شرع است، مصوب سال ۱۳۶۵ مجلس شورای اسلامی؛ قانون تشدید مجازات کبوتر پرانی مصوب سال ۱۳۵۱؛ قانون مجازات اشخاصی که برای بردن مال غیر تبانی می‌کنند مصوب سال ۱۳۰۷؛ قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر مصوب سال ۱۳۰۸؛ قانون تشدید مجازات قلچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح مصوب سال ۱۳۵۰؛ قانون تشدید مجازات سرقت مسلحانه مصوب سال ۱۳۳۸؛ لایحه قانونی راجع به تشدید مجازات سارقین مسلح که وارد منزل یا مسکن اشخاص بشوند مصوب سال ۱۳۳۳؛ قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص مصوب سال ۱۳۵۳؛ لایحه قانونی مربوط به مجازات پاشیدن اسید مصوب سال ۱۳۳۷؛ قانون تشدید مجازات بکار گماردن اطفال کمتر از ۱۲ سال در کارگاههای فرش بافی مصوب سال ۱۳۴۷.

## مبحث دوم: جنبه‌های ماهوی طرح

یکی از اصول مسلم حقوق کیفری اصل قانونی بودن جرم و مجازات است. طبق این اصل که با قاعده «قبح عقاب بلا بیان» نیز به لحاظ مفهومی مشترک است، عناوین مجرمانه باید به صورت صریح و شفاف در قوانین کیفری منعکس شود و منظور قانونگذار از واژه‌ها و کلمات نیز به طور صریح و روشن بیان شود. ذکر کلمات عام و مبهم باعث سردرگمی تابعان حقوق کیفری اعم از قضات، شهروندان (متهمان و شاکیان) و نیروی انتظامی می‌شود.

به طور خلاصه جرم‌انگاری‌های مذکور در این طرح را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: دسته اول عناوین مجرمانه ای هستند سابقه تقنینی دارند و در مجازات آنها نیز هیچ‌گونه تغییری اعلام نشده است. دسته دوم عناوینی هستند که سابقه تقنینی دارند ولی مجازات آنها تشدید شده و دسته سوم، عناوین مجرمانه‌ای هستند که سابقه تقنینی ندارند و جدید محسوب می‌شوند.

### الف) عناوین مجرمانه دارای سابقه تقنینی اما بدون تشدید مجازات

برخی از عناوین مجرمانه مذکور در این طرح دارای سابقه تقنینی‌اند و در مجازات آنها نیز هیچ‌گونه تغییری اعلام نشده است. «راهزنی»،<sup>۱</sup> «سرقت مسلحانه»<sup>۲</sup> و «تجاوز به عنف»<sup>۳</sup> از این دسته‌اند. البته ابهامی که در این دسته وجود دارد آن است که مطابق ماده ۶۵۳ قانون مجازات اسلامی قانونگذار چنانچه عنوان محارب بر راهزن صادق نباشد به مجازات حبس تعزیری محکوم می‌شود. در نتیجه، این پرسش مطرح می‌شود

۱. ماده ۶۵۳ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد که «هرکس در راه‌ها و شوارع به نحوی از انحاء مرتکب راهزنی شود، در صورتی که عنوان محارب بر او صادق نباشد به ۳ تا ۱۵ سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شود».

۲. ماده ۱۸۵ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد که: «سارق مسلح و قطاع‌الطریق هرگاه با اسلحه امنیت مردم یا جاده را برهم زند و رعب و وحشت ایجاد کند، محارب است».

۳. ماده ۸۲ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌ارد که: «حد زنا در موارد زیر قتل است و فرقی بین جوان و غیرجوان و محصن و غیر محصن نیست».

.... د - زنا به عنف و اکراه که موجب قتل زانی اکراه کننده است».

که آیا با توجه به ماده ۳ طرح مذکور،<sup>۱</sup> کلیه مصادیق راهزنی، عنوان محاربه و افساد فی الارض را پیدا می کنند؟

در حال حاضر در مجموعه قوانین جزایی ایران، عنوان راهزنی حسب شرایط قانونی مستوجب دو نوع مجازات است. حقوقدانان کیفری معتقدند چنانچه راهزنی با اسلحه موجب سلب امنیت مردم گردد، دارای عنوان محارب است، در غیر این صورت، چنانچه در راهها و شوارع صورت بگیرد و فاقد شرایط فوق باشد، مشمول مجازات تعزیری می گردد. به نظر می رسد در طرح اخیر با توجه به نحوه بیان ماده ۳ طرح، کلیه مصادیق راهزنی مشمول عنوان محارب می شود و قانونگذار در صدد است این قسم از راهزنی را که دارای مجازات حبس تعزیری است، به عنوان مجرمانه محاربه تبدیل کرده و مجازات جرم مذکور را تشدید کند.

## ب) عناوین مجرمانه دارای سابقه تقنینی همراه با اعمال تشدید در مجازات آنها

دسته دوم عناوین مجرمانه در این طرح، عناوینی هستند که سابقه تقنینی دارند لکن مجازات آنها تشدید شده است. بند پنجم ماده ۲ طرح مزبور، «قاچاق انسان به منظور استفاده جنسی» را جرم انگاری کرده در حالیکه قاچاق انسان به موجب «قانون مبارزه با قاچاق انسان» مصوب ۲۸ / ۴ / ۱۳۸۳ جرم بوده و ماده ۲ قانون مذکور، قاچاق انسان به منظور استفاده جنسی را از علل مشدده مجازات شمرده شده است<sup>۲</sup>؛ اما مطابق ماده

۱. ماده ۳: «مجازات مرتکبین جرائم ماده ۲ اگر مستوجب حد دیگری نباشد، مجازات محارب و مفسد فی الارض می باشد».

۲. ماده ۲ قانون مبارزه با قاچاق انسان مقرر می دارد که:

اعمال زیر در حکم قاچاق انسان محسوب می شود:

الف - تشکیل یا اداره دسته یا گروه که هدف آن انجام امور موضوع ماده (۱) این قانون باشد.  
ب - عبور دادن (خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت)، حمل یا انتقال مجاز یا غیر مجاز فرد یا افراد بطور سازمان یافته برای فحشاء یا سایر مقاصد موضوع ماده (۱) این قانون هر چند با رضایت آنان باشد.

ج - عبور دادن (خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت)، حمل یا نقل غیر مجاز افراد به قصد فحشاء هر چند با رضایت آنان باشد.

۳ قانون موصوف چنانچه عمل مرتکب قاچاق انسان از مصادیق مندرج در قانون مجازات اسلامی باشد، وی مطابق مجازاتهای مقرر در قانون مذکور مجازات می‌شود. در غیر این صورت به حبس از دو تا ده سال و جزای نقدی معادل دو برابر وجوه یا اموال حاصل از بزه یا وجوه و اموالی که از طرف بزه‌دیده یا شخص ثالث، وعده پرداخت آن به مرتکب داده شده است، محکوم می‌شود. به موجب تبصره ۱ همین ماده چنانچه فرد قاچاق شده کمتر از ۱۸ سال تمام داشته باشد و عمل ارتكابی نیز مصداق محاربه و افساد فی الارض نباشد، مرتکب به حداکثر مجازات مقرر در این ماده محکوم می‌شود. چنانکه ملاحظه می‌شود مجازات اصلی قاچاق انسان به قصد فحشاء جنسی مستوجب مجازات حبس تعزیری است که با توجه بند ۵ ماده ۲ و ماده ۳ طرح موصوف، مجازات این نوع قاچاق تشدید شده است.

یکی دیگر از عناوین مجرمانه دارای سابقه تقنینی، آدم‌ربایی است.<sup>۱</sup> البته در طرح قانونی، مجازات نوع خاصی از آدم‌ربایی تشدید شده و از حبس تعزیری به محاربه تبدیل شده است. بدین منظور در بند ۷ ماده ۲ طرح موصوف عنوان «آدم‌ربایی به قصد تجاوز و یا اخاذی» ذکر شده است. آنچه در این باره اهمیت دارد، صرف اثبات قصد متهم است. اگر اثبات شود که آدم‌ربایی به منظور تجاوز و یا اخاذی صورت گرفته، هر چند که منجر به نتیجه نشده باشد، جرم محقق شده است.

### ج) عناوین مجرمانه جدید

دسته سوم، عناوینی هستند که در این طرح جرم‌انگاری شده‌اند، بدون اینکه سابقه تقنینی داشته باشند. البته یکی از دلایل این ادعا (عناوین مذکور فاقد سابقه تقنینی‌اند) نوع بیان قانونگذار در این طرح است. قانونگذار از الفاظ و واژه‌های کلی استفاده کرده است که مفهوم آنها مشخص نیست.

۱. ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد که: «هرکس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگری به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخصاً یا توسط دیگری شخصی را برباید یا مخفی کند به حبس از پنج تا پانزده سال محکوم خواهد شد. در صورتی که سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد یا ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب جرائم دیگر به مجازات آن نیز محکوم می‌گردد».



در بند سوم ماده ۲ طرح مذکور یکی از عناوین مجرمانه «تشکیل باندهای فساد و فحشاء» است. به نظر می‌رسد اگر منظور از تشکیل باندهای فساد و فحشاء، تشکیل دسته و یا گروهی به منظور قاچاق با هدف سوءاستفاده جنسی و یا فحشاء باشد، این موضوع در ماده ۲ قانون مبارزه با قاچاق انسان جرم‌انگاری شده است، ولی در اینجا مجازات آن از حبس به محاربه تشدید شده است. بنابراین نکته مهم در این بند آن است که آیا تشکیل باند و گروه به منظور تهیه و توزیع فیلم‌ها و تولیدات مستهجن و مبتذل نیز مصداق این بند قرار می‌گیرد؟ با توجه به اینکه تفاسیر مختلفی از فساد و فحشاء می‌توان ارائه داد به نظر می‌رسد قانونگذار باید منظور خود را از فساد و یا فحشای مذکور در این بند روشن کند. از سوی دیگر منظور از باند و گروه در این بند مشخص نیست. در حقوق کیفری معاصر از گروه‌هایی موسوم به «گروه‌های سازمان-یافته» یاد می‌شود که این گروه‌ها معمولاً دارای دو عضو و یا بیشتر می‌باشند و نوعی رابطه سلسله مراتبی بین آنها برقرار است. نکته مهم‌تر، ارتباط این بند با ماده ۶۳۹<sup>۱</sup> قانون مجازات اسلامی است. در ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی شخصی که مرکز فساد یا فحشا ایجاد و یا اداره کند یا مردم را به فساد و یا فحشا تشویق کند یا موجبات آن را فراهم کند مجرم شناخته شده است. نکته حائز اهمیت در بند سوم ماده ۲، تشکیل باند یا گروه است هرچند که تصریح نشده که برای تشکیل باند یا گروه چند نفر لازم است. در این بند صرفاً برای تشکیل دهنده باند یا گروه، مجازات در نظر گرفته شده است، در حالی که مطابق رویه متداول در حقوق کیفری برای تشکیل دهندگان گروه‌های سازمان‌یافته مجازات شدیدی در نظر گرفته می‌شود و برای اعضای گروه‌های سازمان‌یافته نیز مجازات پیش‌بینی می‌شود. بنابراین، با توجه به توضیحات فوق به نظر می‌رسد برای تحقق عنوان مجرمانه بند سوم ماده ۲ این طرح، وجود یک باند یا گروه سازمان‌یافته که دارای اهداف مشترکی باشند، لازم است. با توجه به اینکه در این بند

۱. ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد که:

«افراد زیر به حبس از یک تا ده سال محکوم می‌شوند و در مورد بند الف علاوه بر مجازات مقرر، محل مربوطه بطور موقت با نظر دادگاه بسته خواهد شد: الف- کسی که مرکز فساد و یا فحشا را اداره می‌کند. ب- کسی که مردم را به فساد یا فحشا تشویق نموده یا موجبات آن را فراهم نماید. تبصره - هرگاه بر عمل فوق عنوان قوادی صدق نماید علاوه بر مجازات مذکور به حد قوادی نیز محکوم می‌گردد».

تنها برای تشکیل دهنده باند و یا گروه فساد و یا فحشا مجازات تعیین شده است این نتیجه قابل استنباط است که چنانچه گروه و یا باندی وجود نداشته باشد، به عنوان مثال یک نفر مرکز فساد و یا فحشا را دایر کرده و کلیه اقدامات مربوط را انجام دهد مشمول ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی قرار می‌گیرد.

در بند چهارم ماده ۲ طرح موصوف به « تأسیس و دایر کردن وبلاگ و سایت مروج فساد و فحشا و الحاد » اشاره شده است. در این بند از واژه های «فساد»، «فحشا» و «الحاد» استفاده شده است که واژه الحاد فاقد سابقه تقنینی بوده و ضروری است مفهوم آن به صورت صریح و روشن مشخص شود. معنای فساد و فحشا نیز واضح و روشن نیست. اگر منظور از فساد و فحشا، انتشار آثار مستهجن و مبتذل باشد مرتکبین به موجب ماده ۱۰ « قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز دارند»<sup>۱</sup> مصوب سال ۱۳۸۶، مشمول قانون فوق می‌شوند که در صورت پذیرش این تفسیر، تنها تغییری که در این طرح نسبت به قانون فوق-الذکر صورت گرفته، تشدید مجازات است. زیرا در ماده<sup>۲۳</sup> قانون نحوه مجازات

۱. ماده ۱۰ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز دارند مصوب سال ۱۳۸۶ مقرر می‌دارد که:

« انتشار آثار مستهجن و مبتذل از طریق ارتباط الکترونیکی و سایتهای کامپیوتری یا وسیله و تکنیک مشابه دیگر از مصادیق تکثیر و انتشار محسوب و مرتکب حسب مورد به مجازات مقرر در این قانون محکوم می‌شود».

۲. ماده ۳ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز دارند مقرر می‌دارد که :

« عوامل تولید، توزیع، تکثیر و دارندگان آثار سمعی و بصری غیرمجاز اعم از اینکه مجوز فعالیت از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی داشته باشند و یا بدون مجوز باشند با توجه به محتوای اثر حسب مورد علاوه بر ابطال مجوز به یکی از مجازاتهای مشروحه زیر محکوم خواهند شد:

الف) عوامل اصلی تکثیر و توزیع عمده آثار مستهجن در مرتبه اول برای یک تا سه سال حبس و ضبط تجهیزات مربوطه و یکصد میلیون ریال جزای نقدی و محرومیت از حقوق اجتماعی به مدت هفت سال و در صورت تکرار به دو تا پنج سال حبس و ضبط تجهیزات مربوطه و دویست میلیون ریال جزای نقدی و محرومیت از حقوق اجتماعی به مدت ده سال محکوم می‌شوند.

چنانچه عوامل فوق‌الذکر و یا افراد زیر از مصادیق مفسد فی الارض شناخته شوند به مجازات آن محکوم می‌گردند.

اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیر مجاز دارند، مجازات حبس تعزیری برای عوامل اصلی تکثیر و توزیع این آثار در نظر گرفته شده است. در صورت پذیرش تفسیر فوق، جرم‌انگاری جدید در این بند، تأسیس و دایر کردن وبلاگ و سایت مروج الحاد محسوب می‌شود؛ زیرا همان‌طور که بیان شد، واژه "الحاد" فاقد سابقه تقنینی است. از سوی دیگر، کلمه "مروج" در این ماده نیز باید معنا شود.

۱. تولید کنندگان آثار مستهجن با عنف و اکراه
  ۲. تولید کنندگان آثار مستهجن برای سوءاستفاده جنسی از دیگران
  ۳. عوامل اصلی در تولید آثار مستهجن
- تبصره ۱ - عوامل اصلی تولید آثار سمعی و بصری عبارت هستند از تهیه کننده (سرمایه گذار) کارگردان، فیلمبردار، بازیگران نقشهای اصلی
- تبصره ۲ - تعداد نوار یا لوح فشرده و مانند آن بیش از ده نسخه بع عنوان عمده تلقی می گردد.
- تبصره ۳ - سایر عوامل تولید، تکثیر و توزیع بند الف چنانچه از مصادیق مفسد فی الارض نباشند، به مجازات شلاق از سی تا هفتاد و چهار ضربه و جزای نقدی از ده میلیون ریال تا پنجاه میلیون ریال و محرومیت از حقوق اجتماعی از دو تا پنج سال محکوم می شوند.
- تبصره ۴ - تکثیر و توزیع کنندگان آثار سمعی و بصری کمتر از ده نسخه حسب مورد به جریمه نقدی از یک میلیون ریال تا ده میلیون ریال و سی تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می شوند .
- تبصره ۵ - آثار سمعی و بصری مستهجن به آثاری گفته می شود که محتوای آن نمایش برهنگی زن و مرد و یا اندام تناسلی و یا نمایش آمیزش جنسی است .
- تبصره ۶ - چنانچه تولید، تکثیر، توزیع و یا داشتن آثار مستهجن از مصادیق افساد فی الارض نباشد مجازات مفسد فی الارض ندارد.
- ب ( تهیه و توزیع و تکثیر کنندگان نوارها و دیسکها و لوح های فشرده و نمایشهای مبتدل چنانچه از مصادیق مفسد فی الارض نباشد، در مرتبه اول به سه ماه، تا یک سال و یا دو میلیون ریال تا ده میلیون ریال جزای نقدی و در مرتبه دوم به تحمل یک سال تا سه سال حبس و پنج میلیون ریال تا سی میلیون ریال جزای نقدی و در صورت تکرار به سه تا ده سال حبس و یا ده میلیون ریال تا پنجاه میلیون ریال جزای نقدی و ضبط کلیه تجهیزات مربوط به عنوان تعزیر محکوم می شوند.
- تبصره ۱ - آثار سمعی و بصری «مبتدل» به آثاری اطلاق می گردد که دارای صحنه ها و صورت قبیحه بوده و مضمون مخالف شریعت و اخلاق اسلامی را تبلیغ و نتیجه گیری می کند.
- تبصره ۲ - دارندگان نوارها، دیسکها و لوحهای فشرده، مستهجن و مبتدل موضوع این قانون به جزای نقدی از پانصد هزار ریال تا پنج میلیون ریال و نیز ضبط تجهیزات محکوم می شوند و نوارها و دیسکتها و لوح های فشرده مکشوفه امحاء می گردد.

باید دید آیا عنوان « مروج » جرم موصوف را به «جرم عادت»<sup>۱</sup> تبدیل می‌کند؟ به نظر می‌رسد که ترویج موضوعی با یکبار ارتکاب مصداق پیدا نمی‌کند، بلکه با توجه به قواعد عمومی حقوق کیفری، حداقل باید دوبار مطالب مروج فساد و فحشا و یا الحاد در سایت و یا وبلاگ منتشر شود.

عنوان بعدی که در این طرح جرم انگاری شده و فاقد سابقه تقنینی است، «شرارت» است. شرارت مفهوم عامیانه و موسعی دارد که طیف وسیعی از اقدامات را در بر می‌گیرد. به عنوان مثال ممکن است دادرسی ضرب و جرح معمولی را شرارت تلقی کرده و بر اساس ماده ۳ طرح مذکور مرتکب آن را محارب بداند و در نتیجه به مجازات اعدام محکوم کند. بدین منظور ضروری است که این مفهوم از حالت عامیانه خارج شده و تعریف حقوقی و روشن از آن ارائه گردد.

در قوانین کیفری مختلف دنیا نیز مشاهده می‌شود که چنانچه قانونگذار قصد تشدید جرایم را داشته باشد با ذکر شماره مواد و عناوین مجرمانه که قبلاً به صورت مفصل و روشن و منطبق با اصول و ضوابط حقوق کیفری در قانون مجازات تعریف و تبیین شده‌اند، مجازات آنها را تشدید می‌کند.

نکته دیگر در ارتباط با مسائل ماهوی این طرح آن است که به اعتقاد برخی از حقوقدانان کیفری، رعایت تناسب میان جرم و مجازات در این طرح فراموش شده است. صرف انتشار یک مطلب و یا تصویر مروج فساد نباید مجازات اعدام به دنبال داشته باشد؛ بلکه باید قائل به تفکیک شد و در این مورد از مجازات‌های خفیف‌تری مانند حبس استفاده کرد. نباید فراموش کرد عنوان مجرمانه محاربه در قوانین کیفری وجود دارد ولی چون مجازات آن شدید است، رویه قضایی و قضات با اختیاراتی که در تفسیر و توصیف قوانین کیفری دارند سعی کرده‌اند از استناد به آن و صدور حکم اعدام اجتناب کنند.

#### د) مباحث مربوط به آیین دادرسی کیفری

با توجه به اینکه قصد ارائه‌دهندگان طرح مذکور آن است که در مدتی کوتاه و سریع با عاملان جرائم مذکور در طرح با شدت برخورد شود در بعضی از مواد طرح به طور ناقص، مسایل آیین دادرسی کیفری نیز مورد توجه قرار گرفته است. به نظر می‌-

۱. جرم به عادت و یا اعتیادی جرمی است که برای تحقق آن حداقل دوبار تکرار کافی است.

رسد که در طرح مذکور، برای رسیدگی به جرایم موضوع طرح، نوعی آیین دادرسی کیفری افتراقی پیش‌بینی شده است. در ماده ۴ این طرح، وسائل نقلیه و اماکنی که برای جرائم مورد استفاده قرار می‌گیرند توسط دادگاه ضبط می‌شوند. ضبط چنین وسایل و اماکنی روشن و واضح است. اما آنچه در تبصره مذکور با اصول مسلم حقوقی و شرعی تعارض دارد مطلبی است که در ادامه ماده مذکور آمده است مبنی بر اینکه اگر ثابت شود مالک اموال یاد شده از وقوع جرم مطلع نبوده است، مرتکب جرم به حکم دادگاه به پرداخت قیمت آن اموال محکوم خواهد شد. یعنی در صورتی که مشخص شود وسیله نقلیه و یا منزل مورد اجاره برای ارتکاب چنین جرایمی بدون اطلاع مالک مورد استفاده قرار گرفته است مطابق ضوابط قانونی، مقام قضایی باید به استرداد وسائل مذکور و تحویل ملک به مالک آن حکم دهد.

در ماده ۵ طرح موصوف بر تشکیل شعب ویژه توسط رئیس قوه قضاییه جهت رسیدگی به این جرائم تأکید شده است. مهمترین استدلال طراحان این بوده است که چنانچه جرائم موصوف در این طرح به صورت عادی رسیدگی شوند، فرآیند کیفری طولانی شده و یکی از مهم‌ترین اهداف طرح، منتفی می‌شود. اما خطر این نوع دادرسی‌ها نادیده گرفتن اصول دادرسی منصفانه است که متولیان امر باید به این موضوع توجه داشته باشند و به رعایت حقوق متهمین اهتمام ورزند.

در تبصره ماده ۵ طرح مقرر شده است که رسیدگی به جرایم مندرج در این طرح، در دادگاه تجدید نظر و دیوان عالی کشور حداکثر ظرف ۲۰ روز انجام خواهد شد. به نظر می‌رسد با توجه به اینکه مجازات جرائم موصوف در ماده ۲ آن اعدام می‌باشد، مدت ۲۰ روز با واقعیت‌های عملی و اهمیت موضوع انطباق ندارد و در این مسیر ممکن است دقت فدای سرعت شود. همچنین در ماده ۹ پیش‌نویس طرح<sup>۱</sup> تشکیل ستادهایی تحت عنوان «ستاد جرائم

۱ ماده ۹ - برای کشف جرم و ساماندهی امر مبارزه با جرائم موضوع ماده ۱ و ۲ این قانون ستاد جرائم خاص به شرح زیر در مرکز، مرکز استانها و مراکز شهرستانها تشکیل می‌گردد.

الف: ستاد جرائم خاص مرکز مرکب از:

۱. معاون اول قضاییه

۲. دادستان کل کشور

۳. فرماندهی نیروی انتظامی

خاص» پیش‌بینی شده است. با آنکه نفس وجود این ستادها برای هماهنگ کردن دستگاه‌های اجرایی و قضایی در سطح کلان برای مقابله با جرائم خاص و برقراری امنیت می‌تواند مؤثر واقع شود اما مسأله حائز اهمیت، حدود صلاحیت این ستادها است. به نظر می‌رسد ستادهای مذکور باید در قلمرو مقررات عمومی آیین دادرسی کیفری عمل کنند و برای اقدامات تحقیقی از قبیل بازرسی منزل و یا ضبط مکالمات تلفنی باید با حکم مقامات قضایی وارد عمل شوند. تبصره ماده ۱۰ نیز به همین موضوع اشاره دارد که امور قضایی و حقوقی باید تحت نظارت و مسئولیت مقامات قضایی انجام شود. بنابراین ایجاد چنین ستادهایی صرفاً می‌تواند برای هماهنگی و مخصوصاً برای پیشگیری از وقوع جرم مؤثر واقع شود. این ستادها می‌توانند محلی برای تفکر و تأمل پیرامون وضعیت جرائم خاص و اتخاذ تدابیر مناسب برای پیشگیری از این جرائم

۴. معاون امنیت وزارت اطلاعات

۵. معاون امنیت وزارت کشور

۶. فرمانده نیروی مقاومت بسیج

۷. رئیس سازمان صدا و سیما

ب: ستاد جرائم خاص استان مرکب از:

۱. استاندار

۲. رئیس کل دادگستری استان

۳. مدیر کل اطلاعات استان

۴. فرمانده نیروی انتظامی استان

۵. دادستان مرکز استان

۶. فرمانده نیروی مقاومت بسیج

۷. مدیر کل صدا و سیما استان

ج: ستاد جرائم خاص شهرستان مرکب از:

۱- فرماندار

۲- رئیس دادگستری

۳- دادستان

۴- رئیس اداره اطلاعات

۵- فرمانده نیروی انتظامی

۶- فرمانده ناحیه مقاومت بسیج

باشند.

خلاصه آنکه هر حکومتی می‌تواند با توجه به مسائل اجتماعی و فرهنگی و میزان جرائم از ابزار تشدید مجازات استفاده کند. اما تشدید مجازات باید مبتنی بر واقعیات و بر اساس تناسب مجازات با جرم و سایر اصول مسلم کیفری باشد. در استفاده از کیفر نباید افراط یا تفریط شود. چنانکه مجازات اعدام برای مبارزه با جرائم مواد مخدر سالهاست که اعمال می‌شود اما به ریشه‌کن کردن این جرائم منجر نشده است. لذا سیاستگذاران مسائل حقوقی و قضایی باید توجه داشته باشند که استفاده از کیفر و حقوق کیفری تنها راه مبارزه با جرم و ناامنی نیست. در عوض، نظام پیشگیری از وقوع جرم در این مورد حائز اهمیت است. شناسایی افراد شرور و خطرناک (والبته قبل از آن تعیین معیارهای شرارت و خطرناک) و تشکیل پرونده شخصیت و ارزیابی و نظارت بر آنها و تدوین قوانین جامع راجع به اینترنت و وبلاگ‌ها می‌توانند تدابیر مؤثری در این زمینه باشند.

### نتیجه گیری و پیشنهادها:

امروزه جرم و ترس از جرم (به ویژه جرایم خشن) یکی از علل ایجاد ناامنی در جوامع تلقی می‌شود. از این رو، توجه قانونگذار به مقوله امنیت و برخورد ویژه با جرایم خشن، امری ضروری است مشروط بر اینکه اتخاذ سیاست‌های مقابله با ناامنی در قالب طرح‌های کارشناسی شده و با بهره‌گیری از نظرات جرم‌شناسی و حقوق کیفری صورت گیرد. در یک سیاست جنایی کارآمد، واکنش در برابر جرم باید معقول بوده و توأمان به تدابیر واکنشی و پیشگیری از جرم توجه شود.

نباید تصور شود که شدت مجازات ضرورتاً بازدارنده است یا از جرایم بیشتر پیشگیری می‌کند بلکه حتی ممکن است به ناامنی نیز منجر شود. باید به این مطلب توجه شود که در بسیاری از جرایم خشن، مجرم تحت تأثیر یک هیجان یا خشم ناگهانی مرتکب جرم می‌شود و در هنگام ارتکاب جرم فاقد عقلانیت در سنجش هزینه (شدت مجازات) و منافع ارتکاب جرم است؛ برخلاف خشونت ابزاری (مانند سرقت مسلحانه) که مجرمان از خشونت به عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف مالی استفاده می‌کنند.

تجربه قانونگذاری در ایران نشان داده است که قوانینی که به صورت فوری و تحت تأثیر حوادث خاص تصویب شده‌اند، بعد از گذشت مدتی معمولاً به قوانین متروک

تبدیل شده‌اند.

به لحاظ شکلی، ارائه چند ماده قانونی راجع به موضوعات کیفری، باعث مثله شدن قوانین کیفری می‌شود و در نتیجه، عدم انسجام و احتمال تعارض میان آنها را افزایش می‌دهد. با توجه به اینکه قلمرو اصلی جرم انگاری‌های مذکور در این طرح، قانون مجازات اسلامی است، پیشنهادکنندگان طرح باید مواد مورد نظر خود را با عنوان همین طرح ولی جهت الحاق به قانون مجازات اسلامی پیشنهاد می‌دادند. به ویژه اینکه بسیاری از مواد این طرح سابقه تقنینی دارند و قانون‌گذار می‌تواند با افزودن تبصره به مواد مربوط در قانون مجازات اسلامی، اوضاع و احوال مشدده برای آنها تعیین نماید.

برخی از مفاهیم به کار رفته در این طرح همانند واژه‌های «فساد»، «الحاد»، «شرارت» و «باند و گروه» به صورت صریح و روشن تعریف نشده‌اند و قطعاً در مقام اجرا و تفسیر، مشکلات زیادی ایجاد خواهند کرد. ضمن اینکه این روش، خلاف «اصل قانونی بودن جرم و مجازات» نیز محسوب می‌شود.

در برخی از مواد این طرح، عدم تناسب جرم با مجازات ملاحظه می‌شود. تعیین مجازات محارب برای تمامی جرایم مندرج در طرح نمی‌تواند راهگشا باشد. زیرا در عمل، رویه قضایی و قضات ممکن است به دلایل مختلف از اجرای مجازات اعدام اجتناب کنند که این مسئله خود موجب عدم قطعیت اجرای مجازات می‌شود.

در حل معضلات اجتماعی، از کیفر باید به عنوان آخرین حربه استفاده کرد. افراط یا تفریط در استفاده از کیفر نتایج معکوسی به همراه دارد. در همین راستا باید نظام پیشگیری از وقوع جرم، تقویت شود. بدین منظور باید به عوامل موثر در ارتکاب جرایم خشن نظیر، دسترسی آسان به اسلحه، سوء مصرف مواد، اختلالات شخصیتی و روانی، ارزش‌های فرهنگی، خانواده‌های ضعیف، خرده فرهنگ‌ها و گروه‌های مجرمانه توجه شود.

علاوه بر این، بر اساس اصل برائت و با توجه به اینکه تا صدور حکم قطعی، فرد تحت محاکمه «متهم» تلقی می‌شود نه «مجرم» و با توجه به اینکه هر فردی حق دارد در دادگاه و به صورت منصفانه و با رعایت حقوق مسلم وی به اتهامش رسیدگی شود در رسیدگی به جرایم خشن نیز رعایت الزامات مربوط به دادرسی کیفری ضروری است که به نظر می‌رسد برخی از این الزامات در طرح مذکور به فراموشی سپرده شده است.